



اعتیاد

"بحران پنهان" در جمهوری اسلامی

شیوع بی سابقه اعتیاد و مصرف روزافزون مواد مخدر، به یکی از معضلات دردناک زندگی توده های تحت ستم ما بدل شده است. ابعاد این فاجعه در جامعه به حدی است که این روزها مشاهده جوانان نگون بختی که در پارک ها و یا در گوشه و کنار خیابان ها و محلات فقرزده شهرها و روستاها علنا مشغول مصرف و یا تزریق انواع مواد مرگبار افیونی هستند، به یک پدیده عادی تبدیل گشته است. به رغم تمامی ادعاهای کرکننده مقامات تبهکار و فاسد جمهوری اسلامی در باب "مبارزه با قاچاق مواد مخدر" و "اعتیاد"، آمار منتشره از سوی خود حکومت نشان می دهد که در ایران حداقل دو میلیون معتاد وجود دارد که روز به روز بر تعداد آنها افزوده می گردد. و ایران رسماً پس از چین از نظر تعداد معتادان در سطح بین المللی در مقام دوم قرار دارد. تنها در تهران روزانه حدود ۵ تن تریاک و دیگر مواد مرگبار افیونی مصرف می گردد. از جنبه های

درصد جمعیت کشورمشکل اعتیاد داشته و مابقی در این زمینه احساس ناامنی و نگرانی می کنند". البته بنا به برخی از ارزیابی ها، تعداد واقعی معتادان در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تا ۷ میلیون نفر هم تخمین زده می شود و با توجه به عدم وجود سیستم های کارآ و موثر شمارش، و عدم تمایل قربانیان مواد مخدر به معرفی خود به مراکز قانونی- به دلیل خطر پیگرد- به نظر می رسد که این آمار دور از حقیقت نیست.

وحشتناک دیگر این معضل این است که بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار معتاد تزریقی در کشور وجود دارد که به دلیل استفاده از سرنگ های آلوده، شیوع بیماری ایدز و دیگر بیماری های مرگبار نیز هر روز بیشتر از قبل، جان معتادین و قربانیان این بیماری مهلك اجتماعی را تهدید می کند. خبرگزاری "آی پی اس" از قول یک مددکار اجتماعی در تهران گزارش می دهد که معضل مواد مخدر در ایران از "کنترل" خارج شده است. در همین زمینه علی هاشمی، رئیس ستاد به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر، عنوان کرده است که "۳/۵

ادامه در صفحه ۲

تبرئه قاتلین زهرا کاظمی،

لکه ننگ دیگری در پرونده جمهوری اسلامی!

روز چهارشنبه ۳۱ تیر ماه، "دادگاهی" که به پرونده قتل زهرا کاظمی در جمهوری اسلامی رسیدگی می کرد، متهم ردیف اول پرونده یعنی محمد رضا اقدم احمدی که یکی از مأمورین وزارت اطلاعات بود را از اتهامات وارده تبرئه نمود. البته باید دانست که مقامات جمهوری اسلامی شخص مزبور را به جای قاضی مرتضوی یعنی همان شخصی به صحنه آورده بودند که شکنجه های وارده به زهرا کاظمی توسط او و زیر نظر مستقیم وی صورت گرفته بود و در افکار عمومی از او به عنوان قاتل اصلی زهرا کاظمی نام برده می شد. به این ترتیب به رغم حساسیت و موقعیتی که پرونده زهرا کاظمی در داخل و خارج کشور پیدا کرده است، جمهوری اسلامی با تبرئه تنها "متهم" این پرونده، به همه جهانیان اعلام کرد که فعلاً قرار نیست تا کسی حتی به صورت نمایشی هم که شده به این جرم محکوم گردد! حتی همین مأموری که به اتهام واژه من درآوردی "قتل شبهه عمد" (!؟) به اصطلاح محاکمه می شد.

ادامه در صفحه ۳

اخباری از

اوضاع نابسامان پناهجویان

ترکیه - روز ۴ آگوست ۲۰۰۴، تحسن ۳ روزه پناهجویان رنج دیده ایرانی در مقابل نمایندگی کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در آنکارا مورد هجوم وحشیانه پلیس ترکیه قرار گرفت. در جریان این حمله، ۱۶ تن از پناهجویان که با خواست رسیدگی به پرونده هایشان و اعتراض به سیاست های پناهنده ستیزانه مسئولین سازمان ملل در مقابل این نهاد جمع شده بودند، دستگیر و به بخش اتباع خارجی پلیس آنکارا منتقل شدند. هم اکنون قریب به ۱۳۰۰ پناهجوی ایرانی که به امید یافتن یک محل امن و شرایط حداقل زندگی از جهنم رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی گریخته اند، تحت سخت ترین شرایط در ترکیه به سر می برند.

ادامه در صفحه ۲





اعتیاد

"بحران پنهان" در جمهوری اسلامی

(بقیه مطلب از صفحه ۱)

به ویژه اینکه اگر ادعای مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی در مورد "۹۰ درصد کشفیات مرفین" جهان در سال ۸۲ در ایران را بپذیریم و یا قبول کنیم که تنها در فاصله سال ۷۶ تا نیمه اول سال ۸۲ مجموعاً یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در زمینه جرائم مبارزه با مواد مخدر وارد زندان ها شده اند آنگاه می توانیم به گوشه ای از ابعاد خانمان برانداز معضل شیوع اعتیاد و مواد مخدر در جمهوری اسلامی پی ببریم. تا جائیکه کارگزاران رژیم با اشاره به اینکه "نزدیک به ۲۰ میلیون جوان در معرض ابتلا به خطر مواد مخدر در جامعه هستند، از آن به عنوان یک "بحران پنهان" در جمهوری اسلامی یاد می کنند.

واقعیت این است که تولید و تجارت مواد مخدر، یکی از سودآورترین ممرهای درآمد سرمایه داران زالوصفت بین المللی و دولت های آنان در سطح جهانی است و عواید سرشار ناشی از تجارت این مواد مرگبار در کنار تجارت اسلحه و نفت، آن را در ردیف سه تجارت پرسود بین المللی قرار داده است و هرساله دهها میلیارد دلار از بابت تولید یا فروش و توزیع مواد

افیونی به جیب گردانندگان این تجارت عظیم یعنی کارتل ها و دولت های بزرگ سرریز می شود.

در حقیقت به دلیل همین سودآوری، تولید و توزیع مواد مخدر یکی از بیماری های ذاتی نظام سرمایه داری است و به رغم ادعاهای مبارزه با مواد مخدر توسط سردمداران این نظام، معضل مزبور نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش یافته و عواقب مرگبار آن هر روز بیش از پیش گریبانگیر میلیون ها تن از مردم محروم و زحمتکش در سراسر جهان می گردد. تا جائیکه طبق آمار موجود

در حال حاضر ۱۸۵ میلیون نفر یعنی حدود سه درصد جمعیت دنیا مواد مخدر مصرف می کنند که این آمار نسبت به سال های گذشته رشد چشمگیری داشته است. به رغم این واقعیت و به رغم ادعای دولت ها و سرمایه داران جهانخوار در مبارزه با مواد مخدر ما می بینیم که درست زیر چشم همین قدرت ها نظیر آمریکا و دولت های وابسته به آنان، مواد مخدر در مقیاس هرچه بیشتری در افغانستان و آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین تولید و با کمک شبکه های مافیایی تحت حمایت قدرت های دولتی به سراسر جهان منتقل و توزیع شده و به فروش می رسد و از این بالاتر به رغم مخالفت ظاهری با تجارت این مواد و توزیع آنها، قدرت های فوق در کشورهای نظیر هلند یعنی در قلب اروپا برای سوداگری مرگبار خویش بازارهای قانونی درست می کنند و از آن فراتر خواهان گذراندن قوانینی در اروپا و آمریکا به منظور به رسمیت شناختن فروش و توزیع مواد مخدر می باشند. در چنین چارچوبی است که ما شاهد رشد سرسام آور توزیع مواد مخدر و شیوع وحشتناک اعتیاد در جامعه تحت سلطه خود یعنی ایران

هستیم. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی از یک سو با تبلیغ روزمره حول کشف و نابودی باندهای مواد مخدر و با اعدام قربانیان خرده پا پُر مبارزه با مواد مخدر را می گیرد و از سوی دیگر با حمایت و در دست داشتن سرخ بزرگترین باندهای توزیع کننده و یا منتقل کننده مواد مخدر، زمینه توزیع و فروش آن در بین مردم و به ویژه نسل جوان را مهیا می کند. تا جائی که تحت حاکمیت این رژیم کار به جائی رسیده که قیمت هروئین حتی از یک بسته سیگار نیز ارزانتر است. و یا قیمت تریاک حتی به نصف قیمت یک "سیم کارت" تلفن های دستی کاهش یافته است. اما در اینجا یک سوال اساسی مطرح می گردد؛ و آن اینکه ایجاد چنین امکانات و شرائط سهلی برای توزیع مواد مخدر و سوق دادن جوانان ما به سوی مصرف آن، علاوه بر جنبه سودآوری این امر برای سرمایه داران چه منافع دیگری را برای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برآورده می سازد؟ آیا نباید به این موضوع بیاندیشیم که در واقع رژیم

جمهوری اسلامی دارد از همان سیاست رسوا و قدیمی امپریالیست های انگلیسی پیروی می کند که با معتاد کردن توده های مردم در مستعمرات خود کوشش می نمودند تا آنها را از مبارزه سیاسی و پیکار برای کسب استقلال بازدارند؟ واقعیت چیزی جز این نیست. ایجاد تسهیلات گوناگون در جهت معتاد کردن جوانان در ایران، یک نقشه و توطئه آگاهانه از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر علیه توده های تحت ستم ماست. تا در شرایطی که جان میلیون ها تن از توده های زحمتکش ما از مظالم مختلف و از دیکتاتوری عنان گسیخته این رژیم به لب رسیده و راهی جز انقلاب پیش پای آنان نیست، از طریق رواج اعتیاد، این توده عظیم و به ویژه جوانان پرشور آنان را به موجودات بی اراده که به جای مبارزه برای تغییر وضع موجود، خفت و تمکین را می پذیرند، بدل نماید. ننگ و نفرت بر این رژیم جنایتکار باد! برای برکندن ریشه اعتیاد باید عوامل اصلی تولید و بازتولید آن در جامعه را ریشه کن نمود.

اخباری از

اوضاع نابسامان پناهجویان

(بقیه مطلب از صفحه ۱)

برخوردهای وحشیانه مقامات و پلیس ترکیه با این پناهجویان و سیاست های ضدپناهندگی و عدم رسیدگی مقامات دفتر پناهندگی سازمان ملل در ترکیه هر چه بیشتر بر بار مشقات و رنج های آنها افزوده است. وظیفه همه نیروهای انقلابی و مترقی ست که ضمن حمایت از خواست های عادلانه پناهجویان ایرانی در ترکیه خواهان آزادی سریع و رسیدگی به خواست های آنان باشند.

مالتا - روز پنج شنبه ۱۵ ژوئیه سال جاری یک قایق حامل بیش از ۳۰ نفر پناهنده در سواحل جنوبی مالتا غرق شده است.

هلند - پناهندگان مستقر در یکی از کمپ های پناهندگی در شهر "ایندهوون" در هلند، در طی تظاهراتی در روز پنج شنبه ۱۵ ژوئیه سال جاری با پلیس هلند به زد و خورد پرداختند. این تظاهرات که در اعتراض به عدم وجود مراقبت های بهداشتی و درمانی در این کمپ به وجود آمد، در فردای مرگ یک زن پناهنده صورت گرفت. پناهجویان از درگذشت ناباورانه زن پناهجو که درست به دلیل عدم توجه مسئولان رخ داده بود، شدیداً خشمگین بودند.





تهدید و ارباب خانواده کاظمی در تلاش بوده اند تا دست های خونین شان را در یکی دیگر از جنایات بیشماری که در حق مردم ستمدیده ایران مرتکب شده اند بپوشانند و خود را مبرا جلوه دهند.

دادگاه نمایشی پرونده قتل زهرا کاظمی به رغم تمامی بیشرمی و وقاحت گردانندگانش یکبار دیگر و با روشنی تمام نشان داد که انتظار عدالت و دادگستری در رژیمی که بنیانش بر سرکوب و دیکتاتوری و جنایت و حق کشی استوار است، چه انتظار عبثی ست. وجود این رژیم سرکوبگر نخستین مانع برقراری هر گونه عدالت و دادخواهی ست.

شهادت رسیده و در این فاصله مقامات جمهوری اسلامی در تلاش بوده اند تا مساله مرگ او را صرفاً "ضربه مغزی" قلمداد نمایند، تا بعداً همین ضربه مغزی را هم ماستمالی کنند. همه می دانند که رژیم جمهوری اسلامی با تهدید مادر زهرا کاظمی و گرفتن "رضایت" او به ضرب زور و ارباب، جنازه قربانی را خود به خاک سپرد و حتی بنا به برخی از گزارشات برای پنهان کردن اسناد جنایت هولناک خویش، مواد شیمیایی بر جسد مقتول ریخت تا آثار شکنجه قابل تشخیص نباشد. در جریان این محاکمه فرمایشی، قاضی بیدادگاه مزبور در پاسخ به دادخواهی مادر زهرا کاظمی، به "رضایت" او استناد می کند و مادر مقتول فریاد می زند که "تهدیدم کردند! سه نفر بودند! یکی شان آقای توکلی! می شناسمش!" و به این ترتیب حتی در جریان این دادگاه نمایشی هم با اظهارات صریح مادر مقتول بار دیگر روشن می گردد که مزدوران جنایت پیشه جمهوری اسلامی چگونه با

تبرئه قاتلین زهرا کاظمی،

لکه ننگ دیگری در پرونده جمهوری اسلامی!

(بقیه مطلب از صفحه ۱)

است و شاید هم اساساً او با "تبرئه غیب" در سرزمین "امام زمان" به قتل رسیده است!!!

از سوی دیگر، اظهارات روشن و صریح مادر دلسوخته مقتول، یعنی خانم عزت کاظمی که جسد دخترش را دیده است، نشان می دهد که حکم دادگاه تا چه حد ساختگی و توطئه گرانه می باشد. او در دادگاه با حق هق گریه شهادت داد و گفت: دختر من مجوز داشته، به چه مناسبتی او را گرفته اند و برده اند؟ سینه هایش را سوزاندند، دستش را شکستند، پایش را شکستند و زیر شکمش را تکه تکه کردند".

شهادت مادر زهرا کاظمی به روشنی ثابت می کند که زهرا کاظمی زیر وحشیانه ترین شکنجه ها به

این نمایش "عدالت" در جمهوری اسلامی در شرایطی اتفاق می افتد که خود رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی می پذیرد که زهرا کاظمی، خبرنگار و عکاس ایرانی تبعه کانادا به دلیل جراحت ناشی از ضربه به سرش به قتل رسیده و حتی این واقعیت از سوی به اصطلاح قاضی دادگاه نیز قابل انکار نیست. قاضی بیدادگاه مزبور با اینکه حکم تبرئه قاتل و قاتلین زهرا کاظمی را صادر کرد، خود بر مبنای گزارش پزشکی قانونی پذیرفته بود که مقتول در اثر "ضربات مغزی" به قتل رسیده است. با این وجود، تبرئه متهم ردیف اول پرونده قتل زهرا کاظمی روشن می سازد که از نظر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی او قاتلی نداشته

یک جنایت فحیح دیگر در جمهوری اسلامی

سرکوب و شکنجه جزء ذاتی سلطه جمهوری اسلامی ست و به هر گوشه و هر لحظه ای از حیات ننگین این رژیم که می نگریم با جلوه های جدیدی از جنایات مهلک این نظام در این زمینه مواجه می گردیم. برای نمونه به گزارش روزنامه "شرق"، جوان ۲۱ ساله ای به نام "افشین" که به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان دژفول زندانی شده بود در اثر قساوت باور نکردنی زندانبانان خود، به گونه ای فجیع در تاریخ ۲۶ خرداد هر دو دستش را از دست داد. مسئولین رژیم صفت زندان برای مجازات افشین که با یک زندانی دیگر هم مشاجره کرده بود، او را از سقف زندان آویزان می کنند. پس از مدت زیادی که زندانبانان گویا فراموش کرده بودند که قربانی خود را آویزان کرده اند، وقتی به سراغ او می روند، به دلیل وخامت حال افشین مجبور می گردند تا او را به بیمارستان منتقل کنند. در جریان معاینات معلوم می شود که شدت فشار وارده به دست های افشین و وخامت حال او به گونه ای ست که پزشکان برای نجات جان قربانی مجبور به قطع هر دو دست او می باشند.

آلمان - پناهجوی ۲۳ ساله تاملیل در آلمان بعد از سه هفته

اعتصاب غذا و در حالیکه از شدت ضعف و بیماری در معرض خطر مرگ قرار داشت، بالاخره از زندان به بیمارستان منتقل شد. اعتصاب غذای این پناهجو از هنگامی آغاز شد که اداره مهاجرت آلمان بدون مطالعه پرونده و درخواست پناهندگی این پناهنده، که به نام سیوا مشهور شده است، حکم دیپورت او را صادر کرد.

در سال ۲۰۰۱ در سریلانکا، سیوا به دلیل بازی کردن در یک تأثر ضددولتی، متهم به تروریسم و همکاری با "بیرهای تاملیل" شده و از جانب دولت سریلانکا تحت تعقیب قرار گرفت و زندانی شد. او موفق شد که در سال ۲۰۰۲ از زندان گریخته و با هدف پناهنده شدن به سمت اروپا فرار کند. ولی او در آلمان به دلیل نداشتن مدارک شناسایی زندانی شد و سپس به مرکز نگهداری پناهندگان فرستاده شد. او پس از تکمیل کردن تقاضای پناهندگی به انگلیس رفت که در آنجا هم دستگیر شد و مجدداً به آلمان پس فرستاده شد. در آلمان به او اطلاع داده شد که چون به انگلیس رفته، تقاضای پناهندگی اش پذیرفته نشده است و باید به سریلانکا بازگردانده شود.

سرنوشت دردناک سیوا تنها یک نمونه از سرنوشت انسان هائی ست که قربانی سیاست های پناهنده ستیزانه کشورهای اروپایی و از جمله آلمان می گردند. مقامات این کشورها با پناهندگان مثل مجرمین رفتار می کنند. در اثر چنین سیاست های غیرانسانی و ضددمکراتیک، سال گذشته ۲۸ زندانی پناهجو دست به خودکشی زدند و هر ساله حدود ۵۰۰۰ نفر حکم دیپورت می گیرند.



اعتصاب گسترده هزاران کارگر صنایع خودرو سازی در آلمان

در ۱۵ جولای، ۶۰ هزار نفر از کارگران دایملر - کرایسلر، در چندین شهر آلمان اعتصابات زنجیره ای را در اعتراض به تهدید کارفرما به اخراج و کاهش حقوق و مزایای کارگران به راه انداختند.

دایملر - کرایسلر با درس گیری از زمینس که چند هفته قبل از آن موفق شده بود با تهدید به انتقال کارخانه به کشورهای دیگر جلوی اعتصابات را بگیرد، به شیوه مشابه متوسل شد. قبل از واقعه زمینس، مدیریت دایملر - کرایسلر با کارگران در حال مذاکره بود، اما به محض اینکه موفقیت زمینس را دید ناگهان خواسته های خود را در مذاکره با کارگران افزایش داد و علاوه بر کاهش حقوق خواهان قطع حقوق اضافه کاری و قطع حقوق ایام تعطیل شد.

ادغام کمپانی دایملر و کرایسلر در سال ۱۹۹۸ با هدف تبدیل دایملر به یکی از بزرگترین کارخانجات اتومبیل سازی جهان و رقابت هر چه بیشتر با کارخانه های امپریالیستی رقیب در بازارهای بین المللی انجام شده بود. در حال حاضر با اینکه فروش دایملر - کرایسلر حدود ۹٪ کاهش یافته است اما سود خالص سالانه اش تنها از بابت فروش اتومبیل های مرسدس حدود ۳ بیلیون و ۵۰۰ میلیارد یورو در سال است.

اتحادیه کارگران (IG Metall) در مذاکراتش با کمپانی، با جمعاً ۱۸۰ میلیون یورو کاهش حقوق کارگران موافقت کرده است. در حالیکه حقوق و مزایای رئیس شعبه مرسدس در سال گذشته ۵۰ میلیون یورو و حقوق هر کدام از مدیران بخش های مختلف به طور متوسط ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار یورو بوده است.

کارگران در مبارزات هفته های گذشته نشان دادند که به هر نوع اعتراض و مبارزه ای برای گرفتن حق و حقوقشان دست خواهند زد. اما تصویب قرارداد اخیر بین اتحادیه و کارفرما نتایج بسیار گسترده ای علیه کارگران به بار خواهد آورد. پیروزی دایملر - کرایسلر و زمینس، که کارخانه های بسیار سودآوری هستند، موجب خواهد شد که کارخانه های کوچکتر و کم درآمدتر نیز با امید به کسب موفقیت به مراتب بیشتری به یورش به حق و حقوق کارگران اقدام کنند.

در هفته های اخیر کارگران دایملر - کرایسلر در آفریقا نیز علیه کاهش حقوق، قطع حقوق ایام تعطیلات و بیماری و قطع سوبسید بر داروی ضد ایدز به تظاهرات و اعتصاب دست زده اند. اما اتحادیه کارگران در آن کشور نیز در حال همکاری با کارفرما و پذیرش قراردادی مشابه با قراردادهای ناعادلانه در آلمان هستند.

صاحبان کارخانه های چندملیتی مثل دایملر - کرایسلر که در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی، آسیا و آفریقا شعبه دارند، با بهره برداری از شرایط زیستی نابسامان کارگران، یورش دیگری را به سطح زندگی و حقوق های آنان سازمان داده اند. از طرف دیگر دولت های حامی سرمایه داران نیز با قطع خدمات اجتماعی، شرایط زندگی کارگران را به پایین ترین سطح ممکن کشانده اند. در چنین شرایطی سازشکاری رهبران اتحادیه های کارگری نیز موجب شده که کارگران در مبارزه برای حقوق

عادلانه خویش با سرمایه داران با مشکلات عدیده ای روبرو شوند.

در چنین شرایطی کارگران جهان، به خصوص کارگران کارخانجات چندملیتی مثل دایملر - کرایسلر باید با نیرو و همبستگی هر چه بیشتر بر علیه سرمایه داران زالوصفت جهانی و دولت های امپریالیستی متحد گردند. تحقق خواست های صنفی و سیاسی و کسب هر گونه بهبود در شرایط زیستی تنها در بستر مبارزه یکپارچه و متحدانه کارگران قابل دسترسی ست.

اعتصاب کارگران هند علیه خصوصی سازی

در ۲۲ جولای، کارگران آلومینیم بهارات علیه اقدام دولت برای فروش این کارخانه به بخش خصوصی، برای مدت ۲۴ ساعت دست به اعتصاب زدند. در ۱۹ جولای کارگران ۱۲۳ فرودگاه هند نیز علیه خصوصی کردن هواپیمایی ها اعتصاب کردند. در ۵ سال گذشته هواپیمایی هند بخشا به دلیل کاهش حقوق و مزایای کارگران توانسته سود خود را دو برابر کند.

کارگران قراردادی نظافت چی شهرداری حیدرآباد نیز در روز ۲۰ جولای با نشستن در خیابان ها اعتصاب کردند. این کارگران که عموماً زن هستند کارشان نظافت و جارو کردن خیابان ها است. آنها خواهان افزایش حقوق، یک دست لباس کار و کفش در سال، لباس کار شب نما برای کارگران شیفت شب، و ماسک برای مقابله با بیماری هایی که مربوط به آلودگی های مختص این شغل است می باشند.

اعتراض پرستاران در استرالیا

در ماه های اخیر به دلیل اتخاذ سیاست های "صرفه جویانه" در بیمارستان های دولتی استرالیا، بسیاری از پرستاران اخراج شده و این نه تنها به کیفیت کار بیمارستان و بهبود بیماران لطمه زده است بلکه حجم کار پرستاران شاغل را افزایش داده و آنها را با بیماری های ناشی از کار بیش از حد روبرو کرده است. پرستاران بیمارستان سنت جورج در جنوب سیدنی به این امر اعتراض کرده و تهدید به اعتصاب کرده اند.

نیویورک: جلوگیری از ورود کارگران به محل کار توسط کارفرما

در ۱۶ جولای، برای اولین بار پس از ۱۵ سال، از ورود ۵۴ کارگر کمپانی مشهور Sotheby به محل کار خودداری شد. صاحبان این کمپانی ضمن استخدام کارگران جدید، ادعا کردند که از ترس اعتصاب کارگران به این عمل دست زده اند. کارگران این ادعا را تکذیب کرده و اعلام کرده اند که خواسته هایشان بسیار ابتدایی بوده و شامل افزایش حقوق کار در ایام تعطیل است و برای

اینکه خواسته هایشان را به حداقل برسانند آنها حتی از تقاضای بیمه صرف نظر کرده بوده اند.

این کمپانی، فروشنده گرانقیمت ترین آثار هنری و عتیقه جات است و کارگران کارشان نگه داری و حمل و نقل اشیایی است که اغلب آنها میلیون ها دلار ارزش دارند. قیمت برخی از این اجناس بیش از درآمد چندین کارگر در تمام عمرشان است.

اعتصاب در کارخانه جنرال موتور در کره جنوبی

حدود ۲۷۰۰ کارگر در کارخانه جنرال موتور در کره جنوبی در روز ۲۱ جولای علیه کاهش حقوق و مزایای کارگران اعتصاب کردند.

اعتصاب کارگران در پورتوریکو

۳۰۰۰ کارگر شرکت آب در پورتوریکو برای تعویض بیمه بهداشت که در حال حاضر در دست یک کمپانی بیمه ورشکسته است، در ۲۴ جولای به اعتصاب دست زدند. کمپانی بیمه Triple S مسئول بیمه کارگران است که در حال حاضر ورشکسته است و کارگران عملاً تا وقتیکه کارفرما حاضر شود کمپانی بیمه جدیدی را استخدام کند، از بیمه بهداشت محروم هستند.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051

London

WC1N 3XX

England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

